

## قیام (24 حوت) مردم ولایت هرات طغیانی بود در برابر جنایات و اختناق و استبداد وحشیانه رژیم مزدور و سفاک باندهای «خلق» پرچمیها

بتاریخ (24 ماه حوت) سال 1357 خورشیدی مردم ولایت هرات علیه رژیم مزدور «خلق» پرچمیها شجاعانه قیام کردند و حاکمیت ننگین رژیم مستبد و ضد مردمی و سرسپرده بیگانه رادراین ولایت سقوط دادند. "24 حوت" یکی از روزهای فراموش ناسدنی در تاریخ این سرزمین است. زیرادراین روز اکثریت قاطع توده های مردم با دست خالی ویا با امکانات و سلاحهای بسیار ابتدائی، متحدانه و با یکصدا علیه رژیم تا دندان مسلح و برخوردار از حمایت ابرقدرت سوسیال امپریالیسم «شوروی» شورش کردند. نیروهای سرکوبگر رژیم با اعضای مسلح حزب مزدور از سنگرهای مستحکم، توده های مردم را هدف گلوله قرارداد و صد ها تن آنها را بخاک و خون کشیدند؛ ولی نتوانستند جلوسیل خروشان توده های خلق خشمگین را بگیرند. نارضائی و مخالف عمومی علیه رژیم چنان گسترده و عمیق بود که با آغاز شورش ده ها هزارتن از توده های مردم درهمه ولسوالیها و نواحی شش گانه شهر هرات بپا خاسته و ضربات سهمگینی بر رژیم فاشیست و سفاک وارد کردند. بهمین صورت توده های خلق در ولایت بادغیس علیه رژیم شورش کرده و حاکمیت آن را سقوط دادند. با سقوط ولایت هرات، خلقی پرچمیهای مزدور و عناصر فرصت طلبی که بعد از کودتای ننگین «ثور» به حزب و دولت پیوسته بودند از ترس خشم مردم چنان در سوراخها پنهان شدند که برای چند روز اثری از آنها دیده نمی شد.

«حزب دموکراتیک خلق» یک حزب رویزیونیستی و ضد انقلابی و پیرو دولت سوسیال امپریالیسم «شوروی» بود و کودتای فاجعه بار "7 ثور" نیز به همکاری مستقیم دستگاه جاسوسی "ک گ ب و جی آریو" که طی سالها در ارتش افغانستان زیر پوشش «مشاور نظامی» جابجا شده بودند، انجام گردید. و دوران چهار سال حاکمیت سیاه باند «دموکراتیک خلق» و سلطه استعماری ده ساله سوسیال امپریالیسم «شوروی» و جنایات هولناک آنها علیه خلق مظلوم و بی دفاع افغانستان، ثابت ساخت که این حزب و دولت مزدور بیگانه بوده و از دشمنان قسم خورده و خونخوار خلق افغانستان است. این رژیم از ابتدای روی کار آمدنش فضای از وحشت و ترور بوجود آورده و پالیسی تعقیب و زندان و شکنجه و اعدام را در دستور کارش قرار داده و هزاران تن انسان بیگانه را «بجرم» مخالفت با رژیم بعد از شکنجه های وحشیانه بقتل رساند. اینکه این جنایتکاران خود را «مترقی و میهن پرست» می خواندند و می خوانند، ناشی از بیشر می آنهاست. البته همه گروه ها، نیروها و دولتهای ارتجاعی و ضد مردمی در جهان جهت اغوای توده های خلق ناآگاه چنین ادعاهای پوچ و واهی را مطرح کرده و می کنند. ولی جنایات و تجاوزات و عملکردهای وحشیانه و ضد مردمی آنها علیه خلقهای کشورهای شان ماهیت فکری و سیاسی و طبقاتی آنها را ثابت می رساند.

افغانستان از جمله کشورهای عقب نگه داشته بوده و در شرایط تشکیل و فعالیت «حزب دموکراتیک خلق» در اوایل دهه چهل خورشیدی، سطح آگاهی سیاسی توده های مردم نازل بود؛ اما یگانه نیروی سیاسی انقلابی و مترقی مردمی که قبل و بعد از وقوع کودتای ننگین "ثور" و بقدرت رسیدن باندهای «خلق» پرچمیها ماهیت و خصلت ارتجاعی و ضد مردمی و ضد میهنی "حزب" و رژیم این باندهای مزدور و ماهیت امپریالیستی و ضد انقلابی دولت «شوروی» و کشورهای «برادر» آن را برای توده های مردم در سطح نسبتاً گسترده افشا نمود، سازمان جوانان مترقی و فعالین جنبش دموکراتیک نوین (شعله جاوید) بودند. همین جنبش انقلابی مردمی بود که برای اولین بار به تبلیغ و ترویج ایده ها و فرهنگ انقلابی و مترقی

در بین توده های مردم مبادرت کرد. این تبلیغات سیاسی و آگاه سازی توده های مردم خاصاً در شهرهای بزرگ کشور تا حد زیادی در افشای ماهیت ضد مردمی و ضد ملی باندهای «خلق» پرچمی موثر افتاد. و عملکردهای جنایتکارانه و خاینانه این حزب و دولت و بداران روسی آنها علیه خلق و کشور ماهیت و خصلت ضد انقلابی و ضد مردمی آنها را هر چه بیشتر آشکار ساخت. همچنین سازمانها و گروه های انقلابی و مترقی منسوب به جنبش دموکراتیک نوین (شعله جاوید) با آغاز شورشهای خود جوش توده های مردم و آغاز جنگهای چریکی علیه رژیم مزدور در کنار آنها قرار گرفته و مبارزه مسلحانه را علیه رژیم به پیش بردند. بهمین صورت مبارزه مسلحانه به منظور دفاع از خلق و آزادی میهن علیه ارتش اشغالگر سوسیال امپریالیسم «شوروی» را ادامه دادند؛ لیکن به اثر انحرافات ایدئولوژیک-سیاسی بخشهای از جنبش دموکراتیک نوین، این جنبش تضعیف گردیده و علاوه بر آن از منسویب آن توسط رژیم خلقی پرچمیها و سوسیال فاشیستهای روسی دستگیر و اعدام شدند. و از جانب دیگر گروه های ارتجاعی اسلامی نمایندگان طبقات ارتجاعی فئودال و کمپرادور و مزدوران امپریالیستهای غربی در سرکوب و کشتار این نیروها در جبهات جنگ و بیرون از کشور از هیچ جنایتی خودداری نکردند. این عوامل عمدتاً موجب گردید که این نیروها نتواند نقش قابل ملاحظه ای در رهبری جنگ مقاومت توده های مردم علیه رژیم مزدور و اشغالگران روسی ایفا کنند. رویزونیستهای «خلق» پرچمی از ابتدای تشکیل «حزب دموکراتیک خلق» به خدمت رژیم سلطنت ظاهر شاه قرار داشته و نقش ستون پنجم را بازی می کردند. و به رویت اسناد تعدادی از رهبران آن مانند نور محمد تره کی، ببرک، حفیظ الله امین و دیگران با سرویس جاسوسی دولت سوسیال امپریالیسم «شوروی» (ک گ ب) همکاری می کردند. این حزب مزدور مورد حمایت شخص داوود قرار داشت و در کودتای (26 سرطان سال 1352) بر رهبری وی سهم فعال داشته و در «رژیم جمهوری» آن شرکت کرده و در پیشبرد اهداف ارتجاعی و ضد مردمی رژیم سهمیم بودند.

رژیم مستبد و فاشیست «خلق» پرچمیها صدها مرتبه بیشتر و بدتر از رژیمهای ضد مردمی و ضد ملی قبل از آن در افغانستان علیه خلق جنایت و خیانت کرده و خسارات جبران ناپذیری معنوی و مادی به مردم و کشور وارد کرده است. تمام جنایات و تجاوزات و فجایع که از طرف گروه های ارتجاعی اسلامی و دست اندازیها و مداخلات بیشرمانه دولتهای همسایه مانند پاکستان و ایران و امپریالیستهای امریکائی و اروپائی حامی این گروه ها و رژیمهای تحت رهبری آنها طی چهار دهه اخیر علیه خلق افغانستان صورت گرفته و کشور را در همه عرصه ها به ویرانی و تبااهی کشیده اند، از جمله پیامدهای فاجعه بار کودتای "7 ثور" بوده و هست. زیرا این باندهای مزدور و اربابان روسی آنها صدها هزار تن از توده های خلق و هزاران تن از نیروهای آزادی خواه و مترقی را بقتل رسانده و دست آوردهای مادی و معنوی یک قرن آنها را به نابودی کشیده و شیرازه زندگی میلیونها تن از هم گسیخته و هزاران خانواده نابود شده و جغرافیای سیاسی و امنیت کشور به شدت آسیب پذیر گردید. همه قدرتها و کشور های امپریالیستی و ارتجاعی زیر نام «کمک و حمایت» از جنگ مردم افغانستان جانی ترین نیروهای ارتجاعی اسلامی داخلی و خارجی را سازمان دادند که هر کدام از این گروه ها بالنوبه و حشیانه ترین جنایات و تجاوزات را علیه خلق ستم دیده افغانستان انجام دادند. خلق افغانستان در مقاومت علیه رژیم مزدور و ارتش سوسیال امپریالیسم «شوروی» حدود یک و نیم میلیون کشته داده و به همین تعداد معلول و معیوب شدند و چندین میلیون تن آنها از کشور آواره شده که تا کنون چهار میلیون آنها امکان بازگشت به وطن و خانه های شان را نیافته و سه نسل آنها با دوری از وطن تا حد زیادی چیزی از فرهنگ و تاریخ کشور خود نمی دانند. و همچنین نسلهای جوانی که طی این مدت طولانی در داخل کشور تحت سلطه استعماری سوسیال امپریالیسم «شوروی» و رژیم مزدوران، رژیمهای ارتجاعی قرون وسطائی گروه های جهادی، امارت اسلامی طالبان و سلطه استعماری امپریالیستهای امریکائی و ناتو و دولت دست نشانده آنها طی حدود چهار دهه اخیر زندگی کرده

اند؛ بنحوی افکار و اذهان بخش بزرگی از آنها از ایدئولوژی، سیاست و فرهنگ ارتجاعی آنها متأثر شده است. همچنین نسلهای جوان کشور معلومات چندانی از گذشته جنایتبار و خاینانه گروه ها و نیروهای وطن فروش که در دولت دست نشانده امپریالیستهای امریکائی و ناتو جمع شده اند، ندارند. زیرا این دولت بعد از تشکیل در اولین اقدام خاینانه اش بخش تاریخ چهاردهه اخیر کشور را (که بیانگر جنایات و تجاوزات، کشتار و قتل عامها، خیانتها و وطن فروشیهای آنها و بداران خارجی آنها است) از تدریس در مکاتب و تحقیق در دانشگاه ها و نهادهای پژوهشی ممنوع قرار داده است. و طرح این مسایل در نشریه های مختلف وابسته که تعداد آنها به صدها می رسد و همچنین در جریان بحث و گفتگو در تلویزیونها و رادیوها «تابو» پنداشته می شود. لهذا گروه های مربوط به جنبش انقلابی پرولتری و جنبش ملی - دموکراتیک کشور رسالتاً و وظیفه دارند تا در نشرات شان جهت معلومات و آگاهی نسلهای جوان کشور گوشه های ارتاریخ چهل ساله اخیر کشور را بیان کرده و چهره های سیاه این گروه های جنایتکار و میهن فروش و قاتل مردم افغانستان و بداران خارجی آنها را برای نسلهای جوان کشور معرفی نمایند.

مطلب دیگری که در اینجا باید تذکر داد اینست که: در زمان تهاجم نظامی امپریالیستهای امریکائی و ناتو به افغانستان در اواخر سال 2001 میلادی، مردم میهن دوست کشور (که در طول تاریخ وجودی شان احساس سلحشوری، آزاد منشی و روحیه ضد متجاوزین و سلطه گران خارجی در آنها زنده و قوی بوده و در همه شرایط علیه هر نیروی متجاوز و سلطه گر خارجی تا آخرین نفس مقاومت کرده اند و در قرن (19 و 20) میلادی خلفهای ملیتهای مختلف کشور با اتحاد و همبستگی سه بار ارتش دولت استعمارگر و امپریالیستی انگلستان را شکست دادند. و علیه رژیم مستبد و فاشیست خلقی پرچمیها و ارتش سوسیال فاشیسم «شوروی» بدون هیچ هراسی شجاعانه قیام کردند و سلاح برداشتند و در راه آزادی و کسب استقلال کشورشان قربانیهای فروان داده و بهای گزافی را در این راه پرداخته اند؛ ولی در برابر تهاجم نظامی امپریالیستهای امریکائی و ناتو حرکت و مقاومتی علیه آنها انجام ندادند. البته در این رابطه عوامل مختلفی نقش داشته اند از جمله: تبلیغات گسترده رسانه های امپریالیستهای غربی و تبلیغات اغواگرانه «روشنفکران» تسلیم طلب در متوهم ساختن و گمراه کردن توده های مردم درباره تهاجم نظامی و سلطه استعماری امپریالیستهای امریکائی و ناتو. اینها چنین وانمود کردند و می کنند که گویا این ارتشهای غارتگر «بنابر فیصله ملل متحد» آمده اند تا آنها را از شر رژیم وحشی و قرون وسطائی طالبان و القاعده «نجات دهند»! و از جانب دیگر خستگی و مایوسیت مردم از اینکه همه فداکارها و قربانیهای آنها در جنگ علیه رژیم مزدور خلقی پرچمیها و ارتش متجاوز روسی به منظور آزادی و استقلال کشور، بوسیله گروه های ارتجاعی اسلامی به هدر داده شده و به آرمان و اهداف آزادی خواهانه آنها خیانت کرده و شنیع ترین تجاوزات و جنایات را علیه آنها مرتکب شدند. و همچنین فقدان یک حزب انقلابی مردمی نیرومند که می توانست با تبلیغات گسترده توده های مردم را درباره استراتژیها و اهداف غارتگرانه امپریالیستهای امریکائی و ناتو در افغانستان و منطقه هرچه بیشتر آگاهی داده و به بسیج و سازماندهی آنها می پرداخت که تا کنون هم چنین کمبودی وجود دارد. و امپریالیستهای اشغالگر و دولت دست نشانده و تحصیل کرده های خادم آنها، طی این مدت با تبلیغات گمراه کننده تداوم اشغال نظامی و تسلط استعماری شان را با لطایف الحیل توجیه کرده اند. و امپریالیستهای اشغالگر امریکائی و ناتو با ادامه «بازی موش و گربه» با گروه های طالبان و القاعده و حقانی و گلبدین و «داعش» به اشغال نظامی و تسلط استعماری شان ادامه می دهند. و با نیرنگهای استعماری خلق مظلوم افغانستان را که در منجلا ب فقر و گرسنگی، امراض روانی و جسمی و اعتیاد به مواد مخدر دست و پا زده و از انواع ستم و اجحافات عذاب کشیده و روزانه توسط بمبارانهای ارتشهای اشغالگر و توپ و تانک و راکت ارتش دولت مزدور و عملیاتیهای نظامی گروه های جانی و خون آشام طالبان و حقانی و گلبدین و القاعده و داعش به طرز فجیعی بقتل می رسند، همچنان متوهم و خاموش نگهدارند. استراتژی و تاکتیک «جنگ ضد تروریستی» امپریالیستهای امریکائی و ناتو

طی پانزده سال اخیر علیه گروه های ارتجاعی اسلامی مانند طالبان، حقانی، گلب الدین والقاعده و اکنون "داعش" نشان می دهد که این غارتگران به هیچ صورت اراده و نقشه ای برای سرکوب و نابودی این گروه های ارتجاعی وحشی نداشته و ندارند و از اینها منحنیث وسیله برای پیشبرد اهداف امپریالیستی استعماری شان در افغانستان و منطقه و سایر مناطق جهان خاصاً در کشورهای اسلامی استفاده می کنند. گرچه از اولین روزت‌هاجم نظامی امپریالیست‌های امریکائی و ناتوبه افغانستان و بعد تشکیل کنفرانس استعماری "بن" در کشور جرمنی، گروه های انقلابی مردمی و گروه ها و افراد آزادی خواه و میهن دوست در داخل و خارج کشور علیه تهاجم وحشیانه امپریالیست‌های غارتگر و دولت دست نشانده و اشغال نظامی و به مستعمره کشیدن کشور، مبارزه سیاسی افشاگرانه را علیه آنها آغاز کرده و تا کنون ادامه می دهند و همچنین طی پانزده سال اخیر توده های خلق در مناطق مختلف کشور در برابر جنایات و تجاوزات ارتشهای اشغالگرو ارتش دولت پوشالی و جنایات و وحشی گریهای گروه های طالبان و حقانی و گلب الدین و وضعیت اشغال نظامی و سلطه استعماری امپریالیست‌های امریکائی و ناتوتظاهرات کرده و گاهی هم بگونه پراکنده علیه ارتشهای اشغالگر حرکت‌های مسلحانه انجام داده اند. لیکن جنبش انقلابی پرولتری (مارکسیستی-لنینیستی-مائوئیستی) و دیگر جریانات مترقی و آزادیخواه کشور نتوانستند که به بسیج و سازماندهی توده های خلق پرداخته و مبارزه انقلابی مسلحانه، جنگ انقلابی خلق را علیه امپریالیست‌های اشغالگر و دولت دست نشانده آنها آغاز کنند. موضوع دیگر خیانت گروه های رویزیونیستی و اپورتونیستی و تسلیم طلب که پیشینه عضویت در جریان دموکراتیک نوین (شعله جاوید) را داشته اند طی (15) سال اخیر می باشد که مانند سایر گروه ها و نیروهای ارتجاعی و وطن فروش به پیشوا ارتشهای امپریالیست‌های غارتگر امریکائی و امپریالیست‌های عضوناتوشتافته و به خدمت آنها قرار گرفتند. در اولین روزت‌تدویر "کنفرانس" استعماری "بن" آلمان رویزیونیست‌های «سازمان رهائی-راوا» دور میز کنفرانس در کنار سایر گروه‌های میهن فروش و جنایتکار جهادی، ملیشه ای و دیگر گروه ها و عناصر ارتجاعی و میهن فروش بر سر تقسیم چوکیهای دولت دست نشانده امپریالیسم و استعمار مصروف چانه زنی بودند و رویزیونیست‌ها و اپورتونیست‌های «ساما» در بیرون از صالون "کنفرانس" به طرفداری از این کنفرانس استعماری و تصامیم و فیصله های آن شعار می دادند، بعبارت دیگر به تائید از تهاجم و اشغال نظامی و تداوم سلطه استعماری امپریالیست‌های امریکائی و ناتو گلون پاره می کردند. و دیده شد که با تشکیل دولت دست نشانده امپریالیسم و استعمار هریک از این گروه ها به سهم شان از پست های وزارت، معینیت، ولایت، ریاست، وکالت و غیره مقامات دولت پوشالی دستیافتند. این گروه های اپورتونیستی و رویزیونیستی تسلیم طلب بابکارگیری کلمات و جملات «مترقی» شعارهای «ضد» امریکائی سر داده و از امپریالیست‌های اروپائی، سوسیال امپریالیسم چین و دیگر قدرتهای امپریالیستی و استعماری که در اشغال و به مستعمره کشیدن کشور و کشتار توده های خلق سهیم اند، نام نمی برند و طی دو سال اخیر از اشغال و استعمار هم سخن می زنند! این رویزیونیست‌های شیاد با این ترفندهای عوامفریبانه بیش از دیگر گروه های ارتجاعی و وطن فروش درگمراه کردن توده های خلق ناآگاه خاصاً نسل جوان کشور نقش بازی کرده و به امپریالیسم و استعمار خدمت می کنند. این گونه فریبکاریها و ترفندها و شیادیها از مشخصات همه گروه های رویزیونیست و اپورتونیست ضدانقلابی در سراسر جهان است.

رویزیونیست‌های «خلق» پرچمی و حامیان سوسیال امپریالیست شان کودتای "7 ثور" را «انقلاب» خواندند؛ لیکن با در نظر داشت ماهیت حرکت‌های کودتاگرانه بطور عام و ماهیت ایدئولوژیک-سیاسی «حزب دموکراتیک خلق» و خصلت طبقاتی رژیم کودتائی (حافظ منافع بورژوازی بوروکرات کمپرادور و نوکر سوسیال امپریالیسم «شوروی») و استراتیژی و اهداف آن بطور خاص، یک حرکت ضد منافع مردم و میهن بود و با گذشت چند ماه ماهیت ضدانقلابی رژیم حتی برای توده های عوام هم آشکار گردید. اینها قبل از قیامها و شورشهای خود جوش توده های مردم در مناطق مختلف کشور، کودتاهای

چنین ادعا می کردند که چون به دهقانان بیزمین قطعه زمینی داده اند و از آنجاییکه دهقانان اکثریت نفوس کشور را تشکیل می دهند؛ لهذا رژیم آنها از «حمایت مردمی» برخوردار شده است! به همین سبب بود که واقعیت آفتابی قیام خود جوش مردمان ولایت هرات و بادغیس را انکار کرده و با قرینه سازیهای کودکانه و ابلهانه قیام خود بخودی توده های مردم را به دولت ارتجاعی اسلامی ایران نسبت داده که گویا این قیام عمدتاً از جانب نیروهای دولت ایران صورت گرفته است! البته بعد از آن قیامها و آغاز جنگ مسلحانه توده های مردم علیه رژیم و بعد جنگ مقاومت علیه ارتش اشغالگرسوسیال امپریالیسم « شوروی»، مداخلات و تجاوزات خاینانه و جنایتکارانه دولت جمهوری اسلامی ایران و دولتهای پاکستان و عربستان سعودی به حمایت و کمک همه جانبه ابر قدرت امپریالیستی امریکا و قدرتهای امپریالیستی اروپائی و متحدین آنها در سطح جهان از طریق گروه های ارتجاعی اسلامی وابسته و مزدور داخلی و خارجی در جنگ مردم علیه رژیم مزدور و سوسیال امپریالیسم «شوروی» و سرنوشت سیاسی آنها چگونه گسترده صورت گرفته و طی حدود چهار دهه اخیر ادامه یافته است، غیر قابل انکار است. و از جانب دیگر رهبران رژیم کودتائی فکرمی کردند که با زندانی کردن و اعدام و سرکوب مخالفین سیاسی، خاصتاً نیروهای انقلابی و مترقی و آزادیخواه پایه های حکومت شان استحکام یافته و حمایت دولت سوسیال امپریالیسم «شوروی» دوام و بقای آنها را تضمین می کند. این خود فروخته ها کور خوانده بودند، و قیام مردم در ولایت هرات و بادغیس و ولایات ولسوالیهای دیگر و آغاز جنگهای چریکی علیه رژیم آنها نشان داد که آزادی و امنیت و مصئونیت برای توده های مردم نسبت به یک قطعه زمین ارجحیت دارد. و این تجربه در دیگر کشورهای نیمه فئودالی و نیمه مستعمره وجود داشته که دولتهای ارتجاعی و وابسته امپریالیسم اصلاحات ارضی را در جهت تأمین منافع توده های میلیونی دهقانان انجام نداده بلکه هدف اساسی آنها آماده ساختن شرایط برای فعالیت گسترده تر سرمایه های بوروکراتیک و سرمایه های امپریالیستی و یا سرمایه های سوسیال امپریالیستی و بهره کشی هر چه بیشتر از دهقانان و کارگران بوده است. و اصلاحات ارضی غیردموکراتیک که در جهت تأمین منافع طبقات ارتجاعی و سرمایه های امپریالیستهای حامی آنها صورت می گیرد؛ برای توده های ناآگاه و عقبمانده دهقانان در ابتدا فریبنده بوده و دیده شده که « روشنفکران» چپ نامور فورمیست نیز درباره این گونه «اصلاحات ارضی» باماهیت اقتصادی و سیاسی مشخص آنها پر حرفی و یاوه گوئی می کنند. در حالیکه تجربه در چند کشور تحت سلطه امپریالیسم در قرن بیستم نشان داد که بعد از انجام چنین اصلاحات ارضی غیردموکراتیک توسط طبقات ارتجاعی حاکم، اکثریت قاطع دهقانان به ورشکستگی و فقر و خانه خرابی دچار شده اند. البته در افغانستان دهقانان فرصت چنین "تجربه ای" تلخی را نیافته و قبل از آن زمینه فقر و بدبختی و خانه خرابی دهقانان و فرار میلیون ها تن آنها از کشور بر اثر اعمال جنایتکارانه و ضد مردمی رژیم حاکم و بآداران روسی آنها مهیا گردید. و دهقانان در کشورهای دیگر که از جانب طبقات حاکم ارتجاعی (دولتها) بطور موقت «مالک» قطعه زمینی شده بودند با گذشت چند سال دچار فقر و تنگدستی شدیدی شده و مجبور شدند که زمینهای شان را به قیمت بسیار نازل به زمینداران بزرگ و شرکتهای سرمایه داری فروخته و خود جهت پیدا کردن کسب و کار و لقمه نانی به شهرهای بزرگ این کشورها روی آوردند.

در قیامها و شورشهای خودجوش در مناطق مختلف افغانستان همان دهقانانی که از دولت خلقی پرچمیها زمین دریافت کرده بودند، علیه آن شورش کرده و در جهت براندازی بنیاد حاکمیت آنها سلاح برداشتند. قیام توده های مردم در ولایت های هرات و بادغیس برای رژیم و سوسیال امپریالیستهای روسی بسیار سنگین تمام شد و چنان ضرباتی سهمگین بر رژیم کودتائی وارد کرد که آنرا به تب لرزه مرگ دچار کرده و "نشه ای" قدرت دولتی را از کله های پوچ و گندیده رویزیونیستهای عقبمانده و مزدور (خلق) پرچمی، سزائی، سفزائی) بیرون کرد و با وجود (120) هزار ارتش غارتگر بآداران روسی شان تا ختم حاکمیت ننگین آنها دیگر لحظه ای روی آرامش را ندیده و هر چه بیشتر بگونه جنون آمیز به جان مردم

بیدفاع افتاده و صدها هزار تن آنها را قتل عام کرده و هزاران تن را در زندانها وحشیانه شکنجه کرده و یا زنده بگور کردند و سرانجام ذلیلانه و مفتضحانه توسط ضربات مقاومت مردم سقوط کردند و جهت حفظ «حیات» ننگین و ذلتبارشان، بیای بوسی امپریالیستهای غربی شتافته و به مزدوری و جاسوسی آنها پرداختند. درحالیکه قبل از آن تا زمانیکه افسار آنها برپایه باداران سوسیال امپریالیست شان بسته بود، دیوانه وار علیه امپریالیستهای امریکائی و اروپائی شعار می دادند؛ ولی این جنایتکاران و خود فروخته ها بعد از فروپاشی نظم سوسیال امپریالیستی آخور عوض کردند و خود را به دامن " ISI " دولت پاکستان، " CIA " امریکا و " MI6 "، انگلستان و سرویس استخباراتی دولت ترکیه انداختند. و نام آنها منحصی جانی ترین ، خاین ترین و منفورترین عناصر قاتل، وطن فروش و ضد بشریت در تاریخ تثبت گردید. اینست فرجام ظلمتبار و ننگین نیروها، گروه ها و عناصر جنایتکار، مزدور بیگانه و خاین به خلق و میهن.

در قیام (24 حوت) مردم ولایت هرات فرقه عسکری "زلمیکوت" در حمایت از مردم قرار گرفت. زیرا در آن زمان اکثریت قاطع عساکر را کسانی تشکیل می دادند که دوره " مکلفیت عسکری " خود را می گذراندند و بطور عام کمترین احساس و علاقه ای در طرفداری از رژیم در آنها وجود نداشت. و همچنین اکثریت افسرانی که عضویت " حزب " مزدور را نداشته و با دولت کودتائی در مخالفت قرار داشتند، از قیام مردم حمایت کردند. و آن قیام سراسری افسران نظامی خلقی پرچمی را چنان به وحشت انداخت که تعدادی از آنها از ترس انتقامگیری مردم لباسهای نظامی و سلاحهای خود را در اراضی و باغهای اطراف فرقه رها کرده و فرار کردند. و اینکه در آن روز تعدادی از افسران خلقی پرچمی خاصاً عالی رتبه های آنها از جمله " کرام الدین " قوماندان فرقه هرات که گفته می شود در ابتدا تحت محاصره منصبداران غیر خلقی پرچمی قرار گرفته بود ، چگونه توانست از طریق نظام قراول «فرار» کند، تا امروز در پرده ابهام باقی مانده است. منصبدارانی که مدعی اند در روز قیام افسران خلقی پرچمی را در فرقه عسکری تحت محاصره و نظارت گرفته بودند و از جمله آنها «امیر» اسماعیل (بعداً از اعضای رهبری " جمعیت اسلامی » ربانی در آن روز مسئولیت حفاظت از نظام قراول را بعهده داشته است) تاکنون حاضر نشده اند در این باره حقایق را بیان کنند. و گروه های ارتجاعی اسلامی مزدور بعد از سقوط رژیم خلقی پرچمیها این جنایتکاران و قاتلین مردم افغانستان را با « توجیه دینی » که گویا اینها به آغوش اسلام پناه آورده اند؛ با آنها حکومت مشترک تشکیل دادند. و این عمل خایانه و جنایتکارانه گروه های اسلامی با هیچ ترفندی توجیه شده نمی تواند. ذات این " عمل " به لحاظ ایدئولوژیک-سیاسی و طبقاتی بیانگر خصلت تضاد بین گروه ها و طبقات مختلف ارتجاعی نوکر امپریالیسم می باشد که از جمله تضادهای غیر آنتاگونیستی است.

شورش همگانی ولایت های هرات و بادغیس و مناطق دیگر کشور، قیامهای عادلانه و برحق بودند که توده های مردم ستم دیده و زجر کشیده که از فرط جنایات و تجاوزات و استبداد فاشیستی رژیم ضد مردمی به ستوه آمده و علیه آن شورش کردند و برای چند روز حاکمیت رژیم را بر انداختند. و از آنجاییکه این قیامها بدون رهبری مترقی مردمی بود، دولت به کمک باداران سوسیال امپریالیست اش توطئه چیده و بانیرنگ و شیطادی و سوء استفاده از معتقدات دینی توده های مردم آنها را اغفال کرده و از زمین بامسلسل و راکت و توپ و تانک و از فضا توسط طیارات جت بمب افکن و هلیکوپترهای جنگی توده های مردم اغفال شده را مورد حملات وحشیانه قرار داده و بیش از (20) هزار تن مردم مظلوم و بیگناه را قتل عام کرد. رژیم خونخوار بعد از سرکوب قیام در جهت انتقامگیری از توده های مردم موج دستگیریها و اعدام های بدون محاکمه را براه انداخته و هزاران تن دیگر از مردم ولایت هرات و بادغیس را بقتل رساند. اما توده های مردم با این کشتار و قتل عام هرگز مرعوب دشمن سفاک نشده و گروه ها و دسته های مسلح تشکیل داده و جنگ گوریلائی را علیه رژیم مزدور آغاز کردند. جنگهای چریکی علیه رژیم در سراسر کشور آغاز شده و ضربات سنگینی بر رژیم مزدور به رهبری نور محمد تره کی و حفیظ الله امین وارد کرده و آنرا در آستانه سقوط قرار دادند. بالمقابل رژیم مزدور هر چه سبانه تر به کشتار و قتل عام مردم بیگناه و زندان و شکنجه

آزادی خواهان و میهن دوستان و گروه های انقلابی و مترقی ادامه داده و هزاران تن آنها را وحشیانه بقتل رساند. سوسیال امپریالیسم «شوروی» برای نجات رژیم محتضرش بتاریخ (6) جدی 1358 بارتش (120) هزار نفری افغانستان را اشغال کرده و بیرک ( شاه شجاع دوم) را در رأس دولت دست نشانده نصب کرده و آن را برای یکدهه به سلطه استعماری اش در آورد. لیکن خلق آزادی خواه و میهن دوست افغانستان باز هم مرعوب ارتش ابر قدرت سوسیال امپریالیستی نشده و بیش از قبل مقاومت مسلحانه را در جهت دفاع از استقلال کشور و آزادی ملی شان ادامه داده و در این راه فداکاریهای فراوان کرده و قربانیهای زیادی دادند تا که ارتش متجاوز روسی با قبول شکست نظامی حقارتبار با بیش از بیست هزار کشته و ده ها هزار زخمی، سرافکننده از افغانستان خارج شده و بعد رژیم مزدورش تحت رهبری نجیب الله احمدزی جلاد خاد و از جمله سردسته های جنایتکاران رژیم مزدور و قاتل مردم افغانستان با ادامه جنگ مقاومت توده های مردم سقوط نمود. و باندهای جنایتکار «خلق پرچی، سازائی، سفزائی» به گروه های اسلامی تسلیم شده و در چوکات آن دولت به خیانت و جنایت علیه خلق و کشور ادامه دادند. و با تهاجم نظامی امپریالیستهای امریکائی و ناتو در سال 2001 میلادی به چاکری امپریالیستهای غربی در آمده و طی پانزده سال اخیر با گروه های جهادی، ملیشه ای و دیگر خابینین، میهن فروشان و جنایتکاران به خیانت علیه خلق مظلوم و ستمدیده افغانستان ادامه میدهند.

**- مرگ بر امپریالیستهای استعمارگر امریکائی و ناتو و دولت دست نشانده آنها!**

**- مرگ بر باندهای جنایتکار و وطن فروش خلقی پرچی، سازائی، سفزائی، ملیشه ای و همسخان جهادی و طالبی آنها و سایر خدمتگزاران استعمار و امپریالیسم!**

**- یگانه راه نجات خلق افغانستان از سلطه استعماری امپریالیستهای امریکائی و ناتو و حاکمیت دولت دست نشانده و سرنگونی نظام فنودال کمپرادوری و قطع کامل سلطه امپریالیسم مبارزه انقلابی و مترقی و عالی ترین شکل آن جنگ انقلابی خلق تحت رهبری یک حزب انقلابی پرولتری (م- ل- م) حقیقی است!**

**24 حوت 1394 (14 مارچ 2016)**

**( پولاد )**